

# مسئولیت بین‌المللی در پاسداری از میراث فرهنگی

داود عباسی - دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل عمومی، عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد تبریز

## چکیده

در سالهای آغازین سده شانزدهم، مارتین لوتر با اعتراض به فروش آمرزش گناهان (۱۵۱۷) و پس از آن در ۱۵۲۳ با انتشار کتابی زیر عنوان «مسیح یک یهودی زاده است»، پایه‌گذار جنبشی شد که سرانجام با پیوند خوردن به جنگهای سی ساله مذهبی، بخش بزرگی از میراث فرهنگی اروپا را از میان برد. چندی پس از آن، با پیروزی ژاکوبین‌ها و رقم خوردن انقلاب کبیر فرانسه و به قدرت رسیدن جمهوریخواهان به نیابت ناپلئون بناپارت، دوباره شعله جنگ بسیاری از دستاوردهای بشری را در کام خود فرو برد. این روند تا جنگهای جهانی یکم و دوم و پس از آن در چارچوب درگیریهای گوناگون در گوشه‌وکنار جهان بویژه در بالکان و شمال آفریقا تا امروز ادامه یافته است.

در این میان، تلاشهایی هم در راستای پاسداری از میراث بشری انجام می‌گرفت که برای نمونه می‌توان از کدلیبر ۱۸۶۳، اعلامیه بروکسل ۱۸۷۴، دستورالعمل آکسفورد ۱۸۸۰ و... یاد کرد. در پی این تلاشها، اقداماتی نیز در کنفرانسهای صلح لاهه و پس از جنگ جهانی دوم در کنفرانسهای چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ و همچنین کنفرانس لاهه (۱۹۵۴) برای جلوگیری از کارهای ویرانگر دولتها همانند آنچه به‌دست نازیها و کمونیستها در دوران زمامداری هیتلر و استالین در جریان جنگ جهانی دوم بر سر میراث بشری آمده بود، صورت گرفت. ولی این اقدامات بسنده نبوده و در دوران جنگ سرد پس از آن و در جریان جنگهای نیابتی در آفریقا، همواره جنایتهایی نسبت به میراث بشری (مانند تخریب آثار اسلامی در عراق و تخریب استل‌ها در جنگ اریتره و اتیوپی) رخ داده است و امروزه برپایه آنچه مداخله بشردوستانه نام گرفته، لزوم توجه به این نکته در جنگهایی مانند جنگ در افغانستان و عراق و... آشکار است. در این نوشتار پس از بررسی روند تاریخی شکل‌گیری مبانی مسئولیت پاسداری از میراث فرهنگی، به مسئولیت بین‌المللی دولتها و افراد بویژه در چارچوب مباحث جدید حقوق بین‌الملل همانند مداخله بشردوستانه پرداخته شده است.

## درآمد

حقوق بین‌الملل ناظر به اموال فرهنگی، در پنجاه سال اخیر، پیوسته پیشرفت چشمگیر داشته است. از زمان برپا شدن یونسکو (سازمان فرهنگی، علمی و تربیتی ملل متحد) پیمانهای چندجانبه بسیاری بسته شده که به یافتن تعریف دقیقی از مفهوم میراث فرهنگی که در گذشته گیج‌کننده و پراکنده بود کمک کرده است.... شمار روزافزونی از کشورهای صادرکننده و واردکننده اموال فرهنگی، تعهداتی برای پیشگیری از دادوستد غیرقانونی اموال فرهنگی منقول و مبارزه با آن پذیرفته‌اند.... در این سالها و در آغاز سده ۲۱، پشتیبانی بین‌المللی از میراث فرهنگی در چارچوب پیمانها، به میراث فرهنگی زیر

امروزه یکی از دغدغه‌های بسیار مهم بشری که در بیشتر پیمانهای بین‌المللی نیز به چشم می‌خورد، دغدغه‌ای با عنوان میراث فرهنگی است که اطلاق بین‌المللی به آن، بیش‌ازپیش جامعه جهانی را به کوشش در راه نگهداشت و گسترش آن واداشته است. با نگاهی به پیمانها در این زمینه (گرچه برخی از آنها هنوز به مرحله اجرا نرسیده) حساسیت جامعه جهانی در این مورد را می‌توان دریافت و با اینکه قواعد عرفی فراگیری در این زمینه به‌وجود نیامده، آموزه‌های مطرح شده و قواعد عرفی درحال ایجاد، راه را برای اقدامات بین‌المللی باز گذاشته است.

● حقوق بین‌الملل ناظر به اموال فرهنگی، در پنجاه سال اخیر، پیوسته پیشرفت چشمگیر داشته است. از زمان برپا شدن یونسکو (سازمان فرهنگی، علمی و تربیتی ملل متحد) پیمانهای چندجانبه بسیاری بسته شده که به یافتن تعریف دقیقی از مفهوم میراث فرهنگی که در گذشته گیج کننده و پراکنده بود کمک کرده است... شمار روزافزونی از کشورهای صادرکننده و واردکننده اموال فرهنگی، تعهداتی برای پیشگیری از دادوستد غیرقانونی اموال فرهنگی منقول و مبارزه با آن پذیرفته‌اند.

جنگ نیازمند ارائه دلیل نبود و ویرانگری و تاراج کشور اشغال شده مرزی نداشت و زشت شمرده نمی‌شد. آشکار است که برآیند هر جنگ حتا اگر کوتاه و کم دامنه باشد، چیزی جز کشتار و ویرانگری و فجایع انسانی، زیست محیطی و معنوی نخواهد بود.

یکی از کارهای زیانبار در زمان جنگ، نابود کردن و تاراج داراییهای کشور اشغال شده است که تا سالهای میانی سده ۱۹ میلادی، اقدامی در راستای جلوگیری از آن در هیچیک از اسناد دوجانبه یا چندجانبه پیش‌بینی نشده است.<sup>۲</sup>

در سالهای میانی سده نوزدهم بود که مشروع نبودن نابود کردن و تاراج در زمان جنگ مطرح شد. در ایالات متحده، نخستین گام در راه محدودیت ابزارهای جنگی و مبادرت به جنگ با کدلیبر و به نام استاد دانشگاه کلمبیا برداشته شد؛ سندی که در دوران جنگ داخلی در آمریکا نگاشته و در ۱۸۶۳ از سوی ارتش متحد پذیرفته شده بود، اصول کدلیبر در اعلامیه بروکسل (۱۸۷۴) نیز که در پایان یک کنفرانس بین‌الدولی صادر شد قید گردید و در مواد ۸ و ۱۷ آن، ممنوع بودن حمله به مؤسسات مذهبی، آموزشی، هنری و علمی و غارت اموال آنها از سوی نیروهای درگیر پذیرفته شد. گرچه اعلامیه بروکسل به علت مخالفت انگلستان، هیچگاه از دید حقوقی الزام‌آور نشد، اما اثری چشمگیر بر دگرگونی حقوق و رویه بعدی داشت. این اصول که کمابیش از سوی مؤسسه حقوق بین‌الملل تکرار شده و در دستورالعمل آکسفورد درباره جنگ زمینی مصوب ۱۸۸۰ (مواد ۳۴ و ۵۳) نیز آمده بود و بر ممنوعیت اعمال جنگی در مورد مجسمه‌های تاریخی، آرشيو و آثار هنری تأکید داشت، سپس در پیمانهای الزام‌آور برآمده از کنفرانسهای صلح

آب و میراث فرهنگی معنوی نیز گسترش یافته است. از آنجا که کمابیش همه دولتها به عضویت برخی از این پیمانها درآمده‌اند، شماری از آنها مانند کنوانسیون ۱۹۷۲ درباره پشتیبانی از میراث جهانی فرهنگی و طبیعی که امروزه ۱۸۳ کشور به آن پیوسته‌اند، ویژگی کمابیش جهانی یافته‌اند. دیگر پیمانها هم گرچه ارزش حقوقی جهانی به دست نیاورده‌اند، اما با افزایش پیوسته شمار دولتهای عضو روبه‌رو شده‌اند.<sup>۱</sup>

پس از جنگ جهانی دوم، در راستای ترمیم خرابیها و جلوگیری از تاراج‌های فرهنگی، گامهای مؤثری برداشته شد، اما تا امروز سیستم مؤثر و همه‌گیری در این زمینه در جامعه بین‌الملل پا نگرفته است و از آنجا که این موضوع از حوزه صلاحیت داخلی دولتها فراتر رفته و به مسئله‌ای بین‌المللی تبدیل شده، چاره‌اندیشی درباره آن و پیدا شدن راهکاری برای پشتیبانی درست از آن، بسته به همکاری دولتهاست.

میراث فرهنگی، همه آن چیزی است که آدمی برای خود و نسلهای آینده دارد و تنها مایه آبرو و احترام ملتها در نزد یکدیگر است. از این‌رو نگهداشت و پاسداشت آن امروزه دیگر نه تنها دغدغه هر دولت بلکه دغدغه جامعه جهانی است. با این همه، میراث فرهنگی هنوز جایگاه راستین خود را در حقوق بین‌الملل و در میان قواعد فراگیر با ضمانت اجرای مؤثر، پیدا نکرده است. هنوز در این زمینه پرونده‌ای نزد دیوان بین‌المللی دادگستری مطرح نشده و پس از دادگاه نورنبرگ، با وجود رویه بین‌المللی، دادگاهی بین‌المللی بویژه دیوان کیفری بین‌المللی به این مورد بخصوص نپرداخته است. برپایه آنچه گفته شد، پشتیبانی از میراث فرهنگی در برابر ویرانگری و تاراج، خارج کردن غیرقانونی اموال فرهنگی و خودداری از پس دادن آنها (چه در زمان جنگ و چه در زمان صلح)، در گرو احراز شدن مسئولیت دولت متخلف است و این امر باید پیش از آنکه زیانهای جبران‌ناپذیر به بار آید محقق گردد. به هر رو، حقوق بین‌الملل عرفی تا اندازه‌ای این کار را آسان کرده است و امروزه با پاکرفتن برخی مفاهیم در پیوند با مسئولیت بین‌المللی دولتها و نیز شهروندان در پشتیبانی از میراث بشری و اموال فرهنگی روبه‌رو هستیم.

**پیشینه پشتیبانی از میراث فرهنگی در اسناد بین‌المللی ممنوعیت تخریب اموال فرهنگی به هنگام درگیریهای مسلحانه بی‌ضرورت نظامی**

جنگ بعنوان زیانبارترین پدیده، همواره مورد نکوهش بوده است، حتا در سده‌های میانه که اقدام به

بر لزوم انجام گرفتن اقدامات احتیاطی برای جدا کردن این‌گونه مراکز در هدف‌گیری و بمباران تأکید شده بود. گفتنی است که این بند با اندکی دگرگونی در کنوانسیون لاهه درباره جنگ دریایی و بمباران نیروی دریایی نیز گنجانده شده است.

گذشته از مقررات کنوانسیونهای لاهه، در دیگر اسناد بین‌المللی نیز گرچه بیشتر آنها قدرت اجرایی نیافته‌اند به این موضوعها پرداخته شده است. یکی از این اسناد پیش‌نویس کمیسیون حقوقدانان لاهه در دسامبر ۱۹۲۲ در زمینه قواعد جنگ هوایی است که در ماده ۲۵ آن بمباران ساختمانهای مقدس، هنری و نیز آثار تاریخی ممنوع اعلام شده است.

از دیگر پیمانها در این زمینه می‌توان از پیمان پاسداری از مؤسسات علمی و هنری بناهای تاریخی معروف به پیمان زوریخ مورخ پنجم آوریل ۱۹۳۵ یاد کرد. در این پیمان نیروهای درگیر ملزم به پاسداری از بناهای تاریخی شده‌اند به‌گونه‌ای که این رفتار در زمان جنگ و صلح الزامی دانسته شده و بی‌طرفی، احترام و حفاظت بناها و مؤسسات یادشده در ماده یک این پیمان در سرتاسر سرزمینهای زیر حمایت هر یک از کشورهای امضاکننده تضمین گردیده است.

کنوانسیون چهارم ژنو ۱۹۴۹ و پروتکل اول ۱۹۷۷ از مهمترین کنوانسیونها در این زمینه است.

کنوانسیون ژنو درباره پشتیبانی از غیرنظامیان در زمان جنگ، یکی از چهار موافقتنامه از مجموعه کنوانسیونهای ژنو است که تخریب اموال شخصی را ممنوع کرده است.<sup>۹</sup> بنابراین کنوانسیون چهارم ۱۹۴۹ تا اندازه‌ای به تقویت رژیم پشتیبانی از میراث فرهنگی کمک کرده است. اما پروتکل اول ۱۹۷۷، که آنرا «پروتکل اول کنوانسیونهای ژنو» می‌نامند، هر عمل دشمنانه در مورد بناهای تاریخی، آثار هنری، یا عبادتگاهها را که تشکیل دهنده میراث فرهنگی و معنوی مردمان است و همچنین بهره‌گیری از چنین مکانهایی را برای کارهای نظامی ممنوع کرده است. این ممنوعیت، عملیات تلافی‌جویانه مستقیم در مورد این‌گونه اموال را نیز دربرمی‌گیرد. همچنین، کنوانسیون چهارم ژنو و پروتکل آن از میان بردن و تخریب و چپاول این‌گونه بناها را «نقض فاحش» اصول حقوق بین‌الملل و جنایت جنگی دانسته و بدین‌سان، موضوع جرم بین‌المللی را به صلاحیت جهانی پیوند زده است.<sup>۱۰</sup>

کنوانسیون چهارم، بویژه پروتکل اول (مواد ۵۳، ۵۶، ۵۹، ۶۰، ۶۱-۶۷) و همچنین پروتکل دوم (مواد

• در این سالها و در آغاز سده ۲۱، پشتیبانی بین‌المللی از میراث فرهنگی در چارچوب پیمانها، به میراث فرهنگی زیر آب و میراث فرهنگی معنوی نیز گسترش یافته است. از آنجا که کمابیش همه دولتها به عضویت برخی از این پیمانها درآمده‌اند، شماری از آنها مانند کنوانسیون ۱۹۷۲ درباره پشتیبانی از میراث جهانی فرهنگی و طبیعی که امروزه ۱۸۳ کشور به آن پیوسته‌اند، ویژگی کمابیش جهانی یافته‌اند. دیگر پیمانها هم گرچه ارزش حقوقی جهانی به‌دست نیاورده‌اند، اما با افزایش پیوسته شمار دولتهای عضو روبه‌رو شده‌اند.

۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ گنجانده شد.<sup>۲</sup>

شاکله ممنوعیت تخریب و غارت میراث فرهنگی به هنگام درگیریهای مسلحانه به‌گونه مؤثر را نخستین بار در کنفرانسهای صلح لاهه که به پیشنهاد تزار روس و با شرط مارتنز<sup>۳</sup> برگزار شد، می‌توان یافت. پس از فروپاشی اقتدار کلیسا و سربرآوردن قدرتهای سیاسی و نظریه‌پردازان ستیزه‌جویی مانند ماکیاوولی و جنتیلی با نظریه‌هایی چون قانونی بودن جنگ و تخریب سرزمین و نیز دست‌اندازی به اموال دشمن، همچنین آثار وحشتناک جنگهای مذهبی<sup>۴</sup>، غارتهای ناپلئون<sup>۵</sup> بویژه از ایتالیا و کارهایی که آلمان در رم کرده بود، سرانجام در بخشهایی از کنفرانسهای صلح لاهه به ممنوعیت برخی کارها از جمله کشتار، ویرانگری و چپاول اشاره شد.

در کنوانسیون قوانین و رسوم جنگ زمینی<sup>۶</sup>، در ماده ۲۷ به‌گونه مؤثر و شفاف، لزوم سالم نگهداشتن ساختمانهایی که در آنها به فعالیتهای دینی، هنری، علمی یا هدفهای خیرخواهانه می‌پردازند و نیز بناهای تاریخی و... به شرط عدم بهره‌گیری نظامی از آنها و در مواد ۴۶ و ۴۷<sup>۸</sup>، همچنین ماده ۵۶ در زمینه محترم شمرده شدن اجرای مراسم مذهبی، ممنوعیت غارت و چپاول و نیز ممنوعیت مصادره، ویرانگری یا هرگونه آسیب‌رسانی جدی به آثار فرهنگی، مواردی در راستای حفظ میراث فرهنگی گنجانده شده است.

کنوانسیون لاهه درباره جنگ دریایی و نیز کنوانسیون مربوط به جنگ هوایی (که تصویب یا اجرایی نشد) هر یک پیش‌بینیهای خود را در این زمینه داشته‌اند. در کنوانسیون جنگ هوایی، بمباران بناها و ساختمانهای تاریخی و مراکز هنری و دینی ممنوع شناخته شده و

کتابخانه‌های بزرگ، بایگانیها و همچنین پناهگاههایی که در صورت پیش آمدن جنگ اموال منقول فرهنگی در آنجا نگهداری می‌شود، و در بند سوم ماده اول، مراکز نگهداری این اموال، همه از سوی کنوانسیون حمایت شده و دست‌اندازی به آنها ممنوع اعلام گردیده است.

بر پایه ماده ۵۵ مقررات لاهه، نیروی اشغالگر، مالکیت بناهای عمومی، ساختمانها، جنگلها و زمینهای کشاورزی واقع در سرزمین اشغالی را به دست نمی‌آورد. بنابراین مصادیق یادشده در ماده ۵۵، دربرگیرنده همه مصادیق نیست و از آنها بعنوان نمونه یاد شده است. از این رو ممنوعیت مالکیت اشغالگر در مورد همه اموال عمومی مصداق می‌یابد. دولت اشغالگر تنها می‌تواند بعنوان مدیر و دارنده حق انتفاع، به گونه موقت از این اموال بهره گیرد و به هیچ‌رو حق تخریب و نابود کردن آنها را ندارد. این اموال از مصونیت کامل برخوردار است و دولت اشغالگر هرگز نمی‌تواند آنها را حتا با پرداخت غرامت، مصادره و تصرف کند یا در مالکیت آنها تغییری پدید آورد. به هر روی، موضوع انتقال مالکیت از کشور اشغال شده به کشور اشغالگر، مطرح و مسموع نخواهد بود.<sup>۱۴</sup>

این کنوانسیون از این دیدگاه که دربرگیرنده اصولی درباره نگهداشت و پاسداری از داراییهای فرهنگی و نیز پشتیبانی ویژه از برخی اموال فرهنگی است، اهمیت ویژه دارد. در این کنوانسیون درباره نشانه‌گذاری و جابه‌جا کردن اموال فرهنگی ویژه بر نکته‌هایی انگشت گذاشته شده است که برای پاسداری از اموال فرهنگی، همواره باید از سوی طرفهای جنگ رعایت شود. کنوانسیون در زمینه ثبت اموال فرهنگی در دفتر ثبت بین‌المللی اموال فرهنگی که در حوزه مسئولیت مدیرکل یونسکو است و انتقال آنها به دولت ثالث برای نگهداری نیز راهکارهایی به دست داده است.<sup>۱۵</sup>

● **نگهداشت و پاسداشت میراث فرهنگی، امروزه دیگر نه تنها دغدغه هر دولت بلکه دغدغه جامعه جهانی است.** با این همه، میراث فرهنگی هنوز جایگاه راستین خود را در حقوق بین‌الملل و در میان قواعد فراگیر با ضمانت اجرای مؤثر، پیدا نکرده است. هنوز در این زمینه پرونده‌ای نزد دیوان بین‌المللی دادگستری مطرح نشده و پس از دادگاه نورنبرگ، با وجود رویه بین‌المللی، دادگاهی بین‌المللی بویژه دیوان کیفری بین‌المللی به این مورد بخصوص نپرداخته است.

۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶) از آن رو که اقدام دشمنانه در مورد میراث فرهنگی را نقض فاحش اصول حقوق بین‌الملل و جنایت جنگی دانسته، اهمیت بسیار دارد. روشن است که جنایت بین‌المللی پیوند مستقیم با اعمال صلاحیت جهانی دارد و این نکته خود به خود بحث مسئولیت بین‌المللی دولتها را در زمینه اعمال این صلاحیت و کیفر دادن مجرمان را پیش می‌آورد.

گفتنی است زمانی که رفتار افراد، مصداق یکی از نقض‌های فاحش بر پایه آنچه حقوق بین‌الملل عرفی و نیز حقوق بین‌الملل قراردادی مقرر کرده است باشد، موضوع مسئولیت بین‌المللی کیفری آنان پیش می‌آید و در پی آن مسئولیت بین‌المللی دولتها در به کار بستن راهکارهای پشتیبانی از میراث فرهنگی از یک سو و اعمال صلاحیت جهانی و کیفر دادن مجرمان از سوی دیگر.

از دیگر اقدامات جامعه بین‌الملل که با همت یونسکو در پاسداری از داراییهای فرهنگی انجام گرفته، تصویب کنوانسیون پاسداری از داراییهای فرهنگی به هنگام درگیریهای مسلحانه<sup>۱۱</sup> است.

دست‌اندازی به میراث فرهنگی هر ملت، دست‌اندازی به داراییهای فرهنگی جامعه بشری است. از این رو کشورها تخریب و انهدام بناهای دینی و مذهبی، تاریخی و هنری، اماکن باستانی و نیز میراث مکتوب را بر نتافته و به کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه پیوسته‌اند. «مقررات لاهه قطع نظر از مالکیت اموال هنری، تاریخی، علمی، مذهبی یا آموزشی به پشتیبانی از آنها پرداخته است»<sup>۱۲</sup>

این کنوانسیون که به پیشنهاد دولت هلند برای نخستین بار واژه داراییهای فرهنگی را در حوزه ادبیات میراث فرهنگی وارد کرده، در ماده نخست خود، داراییهای فرهنگی را بی‌توجه به ریشه مالکیت آنها، اموال منقول و غیرمنقولی دانسته است که برای فرهنگ ملتها دارای اهمیت بسیار است، مانند آثار معماری، هنری یا تاریخی، مذهبی یا غیرمذهبی، دیدنیهای باستانی، همه ساختمانهایی که از این حیث دارای ارزش تاریخی یا هنری است، آثار هنری و نسخه‌های خطی و کتابها و دیگر چیزهایی که دارای ارزش هنری، تاریخی یا باستان‌شناسی باشد و همچنین مجموعه‌های علمی و مجموعه‌های مهم کتابها و اسناد و نمونه‌های تقلیدی از اموال یادشده در بالا.<sup>۱۳</sup>

همچنین در بند دوم ماده اول، ساختمانهایی که کاربرد اصلی آنها نگهداشت و نمایش اموال منقول فرهنگی یادشده در بند اول است مانند موزه‌ها،

دولتهای اشغالگر برشمرده شد:

۱. جلوگیری از خروج اموال فرهنگی از سرزمین اشغالی؛
۲. خودداری از توقیف اموال فرهنگی منتقل شده به سرزمین دولت اشغالگر؛
۳. بازگرداندن اموال فرهنگی به سرزمینهای اشغالی و پرداخت غرامت به متصرفان با حسن نیت در مورد اموال قابل استرداد.

می‌توان گفت که بهترین نمونه اجرای موفقیت‌آمیز مقررات کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه، در دوران جنگ خلیج فارس در ۱۹۹۱ بوده است که بسیاری از نیروهای متحد از کشورهای متعهد بودند و کشورهای غیر متعهدی مانند آمریکا نیز اصول این کنوانسیون را با تهیه فهرست اموال و اماکن فرهنگی ویژه رعایت کردند. فهرست یادشده مکانهایی را دربر می‌گرفت که اموال فرهنگی در آنها بود. ولی کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه در جنگ یوگسلاوی بویژه در جریان بمباران موستار (Mostar) به گونه مؤثر به اجرا درنیامد.<sup>۱۹</sup>

پروفسور نافزیگر برآن است که افزایش درگیریها و نابسندگی کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه در برابر تخریب و غارت اموال فرهنگی، مایه افزایش مسئولیت افراد و دولتها شده است. بیشتر شدن خطرها برای میراث فرهنگی و نارسایی کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه و پروتکل اول در زمینه پشتیبانی از میراث فرهنگی، موجبات تدوین پروتکل دوم و افزوده شدن مواردی دیگر به تعهدات دولتها را فراهم آورد.

پروتکل دوم کنوانسیون ۱۹۵۴ در ۱۹۹۹ به تصویب رسید. این پروتکل با وضع مقرراتی در زمینه تعهد به بازگرداندن اموال فرهنگی، مسئولیت کیفری عاملان و مسیبان و نیز همکاریهای دوجانبه، مسئولیت بین‌المللی دولتها در این زمینه را افزایش داد. پروتکل دوم گذشته از حمایت‌های ویژه یادشده در کنوانسیون ۱۹۵۴، باعث ایجاد مفهوم حمایت ویژه یا مضاعف گردید.<sup>۲۰</sup>

چنان‌که دیده می‌شود، در پروتکل دوم نیز به مسئولیت کیفری عاملان غارت اموال فرهنگی پرداخته شده و بر مسئولیت بین‌المللی دولتها در به کیفر رساندن مجرمان تأکید شده است.

رفتار بیشتر دولتها در پاسداری از میراث فرهنگی، چه آنها که به گونه قراردادی متعهد به پشتیبانی از میراث فرهنگی شده‌اند و چه آنها که بی‌تعهدات قراردادی، اصول پشتیبانی از میراث فرهنگی را رعایت کرده‌اند و می‌کنند، نشان‌دهنده پاگرفتن یک نظام منسجم بین‌المللی در

در چارچوب این کنوانسیون گرچه گامهایی بنیادی در راه نگهداشت و پاسداری از اموال فرهنگی در زمان جنگ برداشته شده بود، ولی در مورد انتقال این اموال به خارج از کشور محل جنگ و بازگشت آنها، نارساییهایی وجود داشت که سعی شد در پروتکل مربوط از میان برداشته شود.

### اموال فرهنگی که به‌گونه غیرقانونی از سرزمین اشغال شده بیرون برده شده است

جدا از آسیب دیدن داراییهای فرهنگی بر اثر اقدامات جنگی، خطر مهم برای میراث فرهنگی در درگیریهای مسلحانه، تصاحب و انتقال غیرمجاز اموال فرهنگی در دوران اشغال نظامی است. در گذشته، این خطر در روش رسمی غارت از سوی ارتشهای اشغالگر نمود می‌یافت، ولی امروزه، گرچه این به گونه رسمی محکوم شده، اما عوامل دیگری مانند تقاضا در بازار بین‌المللی برای اموال فرهنگی و نفرت نژادی در کار است. اموال فرهنگی دزدیده شده از موزه‌ها و کلکسیونها در افغانستان و عراق در جریان حمله و اشغال نظامی که پس از چندی در موزه‌ها و نزد افراد در گوشه‌وکنار جهان یافت شده<sup>۱۶</sup> و<sup>۱۷</sup>، نشان‌دهنده تأثیر چشمگیر بازار بین‌المللی است که بیش از پیش متقاضی اشیای هنری و باستانی است. از سوی دیگر، جنگ بالکان در سالهای دهه ۱۹۹۰ با فجایع بی‌شمارش نشان داد که نفرت نژادی تا چه اندازه زمینه‌ساز بدترین رفتارها و تعصبات است؛ تعصباتی که ستمگرانه، از میان بردن فرهنگ آفرینندگان اموال فرهنگی و دارندگان آنها، مؤسسات دینی، فرهنگی و اشیای هنری را نشانه می‌رود.<sup>۱۸</sup>

با توجه به کاستیهایی که متن کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه داشت، در پروتکل اول ۱۹۵۴ لاهه تعهدات زیر برای

- پشتیبانی از میراث فرهنگی در برابر ویرانگری و تاراج، خارج کردن غیرقانونی اموال فرهنگی و خودداری از پس دادن آنها (چه در زمان جنگ و چه در زمان صلح)، در گرو احراز شدن مسئولیت دولت متخلف است و این امر باید پیش از آنکه زیانهای جبران‌ناپذیر به بار آید محقق گردد. به هر رو، حقوق بین‌الملل عرفی تا اندازه‌ای این کار را آسان کرده است و امروزه با پاگرفتن برخی مفاهیم در پیوند با مسئولیت بین‌المللی دولتها و نیز شهروندان در پشتیبانی از میراث بشری و اموال فرهنگی روبه‌رو هستیم.

● در پیمان پاسداری از مؤسسات علمی و هنری و بناهای تاریخی معروف به پیمان زوریخ مورخ پنجم آوریل ۱۹۳۵ نیروهای درگیر ملزم به پاسداری از بناهای تاریخی شده‌اند به گونه‌ای که این رفتار در زمان جنگ و صلح الزامی دانسته شده و بی‌طرفی، احترام و حفاظت بناها و مؤسسات یادشده در ماده یک این پیمان در سرتاسر سرزمینهای زیر حمایت هر یک از کشورهای امضاکننده تضمین گردیده است.

بیشتر صادرکننده اموال فرهنگی بودند و سپس مهمترین کشورهای واردکننده از جمله ایالات متحده، فرانسه، سوئیس، انگلستان و ژاپن به آن پیوستند.<sup>۲۳</sup>

نمونه دیگر همکاری، خود را در سطح حقوق خصوصی و در زمینه شناسایی عنوان مالکانه برای اموال فرهنگی دزدیده شده یا اموالی که غیرقانونی خارج شده است نشان می‌دهد. کنوانسیون ۱۹۷۰ یونسکو به این حوزه نمی‌پردازد زیرا حوزه کارکردش محدود به دادوستدهای مورد نظر موزه‌ها و دیگر مؤسسات مشابه است (ماده ۷)، بی‌اینکه به دیگر گونه‌های دادوستد اموال فرهنگی میان افراد توجه کند. این خلأ با کنوانسیون ۱۹۹۵ یونیدورا<sup>۲۴</sup> (کنوانسیون وحدت قوانین در زمینه بازگرداندن شدن بین‌المللی اموالی فرهنگی که دزدیده شده یا غیرقانونی خارج شده) پر شد که دربرگیرنده اصول بسیار پیشرفته‌ای برای همکاری و هماهنگی نظامهای حقوقی از راه تثبیت قواعد یکنواخت در زمینه تحصیل عنوان مالکیت اموال فرهنگی است. این کنوانسیون نخست مقرر می‌دارد که: متصرف مال فرهنگی دزدیده شده باید آنرا پس دهد.<sup>۲۵</sup> این اصل بدان معنا است که دولتهای دارای سنت قاره‌ای حقوق نوشته که در نظم حقوقی خود تحصیل مال از غیرمالک از سوی متصرف با حسن نیت را می‌پذیرند، باید قوانین خود را در راستای خیر برتر، یعنی پس داده شدن اموال دزدیده شده، تغییر دهند. گذشته از این، کنوانسیون یادشده این تعهد را برای قاضی ایجاد می‌کند که به قوانین عمومی کشور مبدأ اموال فرهنگی، در مواردی که آن قوانین، حفاریهای غیرمجاز را همچون سرقت تلقی می‌کند، توجه نشان دهد. نتیجه، آن خواهد بود که اشیایی که از کاوشهای باستان‌شناسی غیرقانونی به دست می‌آید، حتا چیزهایی که در زمینهای خصوصی یافت شده، از دید کنوانسیون باید همچون اشیای دزدیده شده شمرده شود.<sup>۲۶</sup>

هرچند این کنوانسیون اثری بسزا در پدید آمدن عرف

راستای پشتیبانی از میراث فرهنگی است. شیوه در پیش گرفته شده باعث شده است که در عرف بین‌الملل نسبت به میراث فرهنگی حساسیت بیشتری نشان داده شود، تا آنجا که امروزه از مسئولیت بین‌المللی دولتها در پشتیبانی از آن سخن به میان آید. جای بسی خوشحالی است که تاکنون هیچ دولتی با این عرف درحال شکل‌گیری مخالفت نوزیاده و پایبندی به پیروی از آن در رفتار بیشتر دولتها به چشم می‌خورد. امروزه با توجه به آنچه گفته شد «دست زدن به این کارها، جنایت نسبت به بشریت و نقض قوانین بین‌المللی و نیز نقض مقررات کنوانسیون شناخته می‌شود».<sup>۲۱</sup>

### ممنوعیت و جلوگیری از صدور، وارد کردن و انتقال غیرقانونی اموال فرهنگی

کنوانسیون درباره ممنوعیت و جلوگیری از صدور، وارد کردن و انتقال غیرقانونی اموال فرهنگی، مصوب ۱۴ نوامبر ۱۹۷۰ پاریس از دیگر کنوانسیونهای مهم در زمینه پشتیبانی از میراث فرهنگی است که با توجه به گستردگی صادرات، واردات و جابه‌جایی غیرقانونی اموال فرهنگی بویژه در زمان صلح پا گرفته است.

از بزرگترین خطرهای موجود برای میراث فرهنگی بشری، دادوستد آن در جهان آزاد است. گرچه تأکید بر آزادی بازرگانی و شتاب دادوستد کالا یک اصل اقتصادی بین‌المللی است ولی این نکته در زمینه دادوستد اموال فرهنگی نمی‌تواند در همه موارد مصداق داشته باشد. دادوستد بی‌قید و شرط اموال فرهنگی در بازارهای جهان سبب شده است که کشورهای مبدأ این اموال روز به روز از دیدگاه فرهنگی نادارتر شوند و توانگران پیوسته بر داراییهای خود بیفزایند. جلوگیری از این روند، در گرو همکاری در سطح دولتها و سازمانهای بین‌المللی<sup>۲۲</sup> است.

نمونه این همکاری، پذیرش پیمانهای چندجانبه‌ای است که دولتهای عضو را به همکاری در سطح حقوق عمومی به‌منظور پیشگیری از قاچاق اشیای فرهنگی دزدیده شده یا اموالی که از راههای غیرقانونی به کشورهای دیگر صادر شده است، ملزم می‌کند. مهمترین نمونه از این دست، کنوانسیون ۱۹۷۰ پاریس است که ماده دو آن به روشنی، مقرر می‌دارد که وارد کردن، صدور و انتقال غیرقانونی مالکیت اموال فرهنگی یکی از علت‌های بنیادی فقر میراث فرهنگی در کشورهای مبدأ این اموال است و همکاری بین‌المللی یکی از کارسازترین راههای پشتیبانی از این اموال در برابر همه خطرها است. این کنوانسیون در آغاز به تصویب دولتهایی رسید که

بین‌المللی اماکن و بناهای یادبود،<sup>۲۹</sup> و مرکز بین‌المللی مطالعه، حفاظت و احیای اموال فرهنگی،<sup>۳۰</sup> در زمینه پاسداری از میراث بشری نقش دارد.

کنوانسیون به این نکته می‌پردازد که «دولت سرزمینی، نمی‌تواند به‌منظور توجیه هرگونه بهره‌برداری یا کنترل بر یک مال فرهنگی ثبت شده در فهرست که ممکن است ارزش جهانی استثنایی آن را در معرض خطر قرار دهد... حیطه‌ی تحت صلاحیت دولت باید تابع منفعت برتر حفاظت اموال دارای ارزش جهانی استثنایی باشد. دولت‌های عضو کنوانسیون که تقریباً نمایانگر کل جامعه‌ی بین‌المللی دولت‌ها هستند این محدودیت را پذیرفته‌اند که یکی از اشکال مداخله در حوزه صلاحیت ملی است که توسط کمیته‌ی میراث جهانی پیش‌بینی نشده است؛ خواه به صورت پیگیری مستمر دولت در مورد حفاظت از اموال بر مبنای گزارش‌های دوره‌ای موضوع ماده‌ی ۲۹ باشد خواه در موارد خطرهای بالفعل یا بالقوه که می‌تواند تمامیت برخی اموال را به خطر اندازد و در نتیجه کمیته را به تصمیم‌گیری نسبت به ثبت یک مال در فهرست میراث در معرض خطر تحریک کند.»<sup>۳۱</sup> (موضوع بند ۴ ماده ۱۱)

#### میراث فرهنگی زیر آب

کنوانسیون میراث فرهنگی زیر آب<sup>۳۲</sup> در سال ۲۰۰۱ با هدف تضمین و تقویت شیوه‌ی پاسداری از میراث فرهنگی زیر آب پاکرقت و کشورهای عضو برای تحقق بخشیدن به این هدف در راستای حفظ منافع بشری به‌گونه مستقل یا مشترک موظف گردیدند.

هدفهای اصلی این کنوانسیون عبارت است از: تضمین و تقویت شیوه‌ی حفاظت و مدیریت آثار و محوطه‌ها در زیر آب یا در مناطق ساحلی بعنوان حفظ ذخیره‌های فرهنگی در راستای پاسداری از منابع بشری با بهره‌گیری از همه تواناییها و امکانات علمی و عملی به‌گونه مستقل یا با همکاریهای بین‌المللی همخوان با حقوق بین‌الملل و با اولویت حفظ اثر در وضع طبیعی خود و پرهیز از هرگونه دستکاری و مداخله زیانبار.<sup>۳۳</sup>

امروزه کنوانسیون میراث فرهنگی زیر آب (۲۰۰۱) با هدف پاسداری از میراث فرهنگی زیر آب بعنوان نمادی از اندوخته‌های بشری، در کنار دیگر کنوانسیونها و ترتیبات بین‌المللی، یکی از کاراترین ابزارهای حقوقی برای جلوگیری از آسیب دیدن میراث زیر آب است. همچنین ماده ۱۴۹ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها، که حقوقی بنیادین در این عرصه عنوان کرده و بیانگر حقوق بین‌الملل عام است، مقرر می‌دارد که باید از اشیای دارای

• کنوانسیون ژنو درباره‌ی پشتیبانی از غیرنظامیان در زمان جنگ، یکی از چهار موافقتنامه از مجموعه کنوانسیونهای ژنو است که تخریب اموال شخصی را ممنوع کرده است. بنابراین کنوانسیون چهارم ۱۹۴۹ تا اندازه‌ای به تقویت رژیم پشتیبانی از میراث فرهنگی کمک کرده است. اما پروتکل اول ۱۹۷۷، که آنرا «پروتکل اول کنوانسیونهای ژنو» می‌نامند، هر عمل دشمنانه در مورد بناهای تاریخی، آثار هنری، یا عبادتگاهها را که تشکیل دهنده میراث فرهنگی و معنوی مردمان است و همچنین بهره‌گیری از چنین مکانهایی را برای کارهای نظامی ممنوع کرده است.

بین‌الملل داشته، ولی باید گفت که عرف بین‌الملل در برابر ورود، صدور و نیز انتقال غیرقانونی اموال فرهنگی بویژه در زمان صلح چنان که باید نافذ نبوده و مؤسسه بین‌المللی پشتیبانی از حقوق خصوصی «یونیدورا» و دیگر نهادهای بین‌المللی که در راستای وحدت قوانین درباره‌ی بازگرداندن اموال فرهنگی فعالیت می‌کنند، نیازمند افزایش مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در این زمینه هستند.

#### پاسداری از میراث فرهنگی و طبیعی جهان

کنوانسیون در زمینه پاسداری از میراث فرهنگی و طبیعی جهان مورخ ۱۶ نوامبر ۱۹۷۲ پاریس<sup>۳۷</sup>، به حفاظت از میراث مشترک بشریت نظر دارد.

اصل میراث مشترک بشریت در حقوق بین‌الملل معاصر در پیوند با منابع و فضاها، مشترک، بویژه در اعماق دریاها و کره ماه مطرح شد. این اصل ناظر به وضع حقوقی اموالی فرهنگی که ممکن است تحت صلاحیت دولت سرزمینی یا در مالکیت اشخاص باشد، نیست.

کنوانسیون پاسداری از میراث فرهنگی و طبیعی جهان مورخ نوامبر ۱۹۷۲ که همزمان با برگزاری کنفرانس استکهلم درباره‌ی محیط زیست انسانی پذیرفته شد، ناظر به پاسداری از اموال فرهنگی و مکانهای طبیعی با اهمیت فوق‌العاده است. کنوانسیون با اصل قرار دادن این نکته که پاره‌هایی از میراث فرهنگی و طبیعی اهمیت جهانی دارد و با توجه به حق همه نسلها در زمان حال و آینده، در پی تضمین پشتیبانی از آنهاست. امروزه این کنوانسیون با ۱۸۳ عضو و با همکاری نهادها و سازمانهایی بین‌المللی همچون اتحادیه بین‌المللی حفاظت از طبیعت،<sup>۳۸</sup> شورای

میراث فرهنگی معنوی (۲۰۰۳) انجامید.<sup>۳۹</sup> گرچه این کنوانسیون به گونه رسمی یک سند سنتی ایجادکننده اتفاق نظر درباره تعهدات بین‌الدولی است، از دید ماهوی، یک نظام تعهدات بین‌المللی پدید می‌آورد که دولتهای متعاقد به‌منظور پاسداری از سنتها و فرهنگهای زنده گروههای انسانی و جوامع فرهنگی در سرزمینهای خود یا در خارج برقرار می‌کنند.<sup>۴۰</sup>

### پشتیبانی از تنوع فرهنگی

راه‌اندازی کنوانسیون پشتیبانی از تنوع فرهنگی، دیگر اقدام یونسکو بوده است.<sup>۴۱</sup> این کنوانسیون با این هدف پدید آمد تا از میراث بشری در برابر سازمان جهانی بازرگانی حمایت مؤثر شود. گرچه گات<sup>۴۲</sup> در بند «و» ماده ۲۰ خود حمایت از این میراث را مورد توجه قرار داده، ولی با توجه به اقتصاد محور بودن گات و سازمان جهانی بازرگانی، می‌بایست کنوانسیون مستقلی برای حمایت از میراث فرهنگی و تکمیل نواقص موجود طرح شود.

### مسئولیت کیفری آسیب‌زندگان به اموال فرهنگی

پیمان صلح ۱۹۱۹ ورسای، پس از شکست آلمان و پایان گرفتن جنگ جهانی یکم، «جامعه ملل» را پدید آورد. در ماده ۲۲۷ این پیمان، برای نخستین بار مسئولیت کیفری رییس دولت پذیرفته شد.<sup>۴۳</sup> از آن پس، مفهوم مسئولیت کیفری افراد، یکی از چالش برانگیزترین و بی‌گمان مهمترین موضوعات حقوق بین‌الملل شده است.

گرچه آسیب زدن به اموال فرهنگی و غارت کردن آنها، در کنوانسیونهای ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ لاهه ممنوع و نشانه‌های جرم‌انگاری آن آشکار شده بود، ولی

● روشن است که جنایت بین‌المللی پیوند مستقیم با اعمال صلاحیت جهانی دارد و این نکته خود به خود بحث مسئولیت بین‌المللی دولتها در زمینه اعمال این صلاحیت و کیفر دادن مجرمان را پیش می‌آورد. زمانی که رفتار افراد، مصداق یکی از نقض‌های فاحش بر پایه آنچه حقوق بین‌الملل عرفی و نیز حقوق بین‌الملل قراردادی مقرر کرده است باشد، موضوع مسئولیت بین‌المللی کیفری آنان پیش می‌آید و در پی آن مسئولیت بین‌المللی دولتها در به کار بستن راهکارهای پشتیبانی از میراث فرهنگی از یک سو و اعمال صلاحیت جهانی و کیفر دادن مجرمان از سوی دیگر.

ارزش تاریخی واقع در زیر آبهای بین‌المللی پاسداری و از آنها در راستای خواستههای جامعه بشری بهره‌برداری شود.

### پاسداری از میراث فرهنگی معنوی

گرچه پیش از رویکرد فرهنگی - حقوقی جامعه جهانی به تولیدات معنوی انسانها، رویکردهایی حقوقی مانند شناسایی حقوق مالکیت فکری وجود داشته است، ولی هدف این رویکردها تنها حفظ حقوق پدید آورنده و در راستای بهره‌مندی انحصاری تولیدکننده اثر بوده است. به‌سختن دیگر، حقوق مالکیت فکری حقوقی است «که به صاحب آن اجازه می‌دهد تا از منافع و شکلی خاص از کار و فکر انسان به‌طور انحصاری استفاده کند»<sup>۴۴</sup> و این حقوق در واقع «مالکیت آثار ناشی از فکر خلاق و پویای انسان است»<sup>۴۵</sup> که تنها به پدید آورنده آن اگر چه برای مدتی معین تعلق دارد.

برای پر کردن این خلأ و ایجاد مکانیسمهایی برای پاسداری از میراث فرهنگی معنوی و نیز گوناگونی آنها، یونسکو اقداماتی انجام داده است که نخستین آنها به ۱۹۸۹ بازمی‌گردد و آن سفارش یونسکو به حمایت از فرهنگ سنتی و بومی بود.<sup>۴۶</sup> برایند این ابتکار، یک سند در زمینه حقوق نرم بود که فضای جنگ سرد ناشی از رویارویی فرهنگ برگزیده و فرهنگ بومی را بازتاب می‌داد. امروزه صفت «بومی» به سنت‌هایی اشاره دارد که شادابی و توان نوزایی خود را از دست داده‌اند و در نتیجه به دلایل یکسره بازرگانی باز تفسیر می‌شوند. در سالهای دهه ۱۹۹۰، دو ابتکار عمل دیگر یونسکو، رویکرد تازه‌ای در پاسداری از فرهنگهای زنده پدید آورد.<sup>۴۷</sup>

در ۱۹۹۷ کنفرانس عمومی یونسکو طرح بین‌المللی تازه‌ای در زمینه پاسداری از میراث فرهنگی معنوی بعنوان شاهکارهای میراث شفاهی و معنوی بشری تصویب کرد. درچارچوب این برنامه، یونسکو فهرستی فراهم آورده است که در آن استثنایترین و عالی‌ترین نمونه‌های میراث شفاهی و معنوی کشورها ثبت می‌شود.<sup>۴۸</sup>

دومین اقدام، برنامه کنفرانس عمومی ۱۹۹۷ یونسکو برای اعلام شاهکارهای میراث شفاهی و غیرمادی بشری بود. این برنامه با هدف برگزیدن شیوه‌ها و مکانهای برگزاری مراسم سنتهای فرهنگی برجسته و با کیفیت خوب در عرصه‌های هنری پی‌گیری می‌شد که با تصمیم یونسکو در ۲۰۰۱ به برگزاری گفتگوهای برای پذیرش یک سند همکاری چندجانبه در راستای پاسداری از میراث فرهنگی غیرمادی، به کنوانسیون پاسداری از



کردن عمدی فرد حمایت شده از حق برخورداری از محاکمه عادلانه به موجب کنوانسیون حاضر، گروگانگیری و تخریب و ضبط گسترده اموال بی‌توجیه نظامی و انجام دادن غیرقانونی و افراطی آن.<sup>۴۷</sup> کنوانسیونهای چهارگانه ژنو از این دیدگاه که «نسبت به دول غیر عضو هم لازم رعایه بوده و آنها را هم به محاکمه یا استرداد جنایتکاران جنگی یا آمرین به ارتکاب آنها ملزم می‌کند»<sup>۴۸</sup> اهمیت بسیار دارد. از آنجا که برپایه کنوانسیونهای چهارگانه ژنو تخریب یا تصرف اموال بی ضرورت نظامی یک جرم بین‌المللی است و مسببان آن مسئولیت کیفری دارند و نیز اینکه این جرائم موضوع صلاحیت جهانی شده و عام‌الشمول (Erga omnes) هستند، می‌توان کنوانسیونهای چهارگانه ژنو را از مهمترین یافته‌های بشر در زمینه پاسداری از آثار فرهنگی دانست، گرچه این حمایت معطوف به جنگ باشد.

البته با توجه به برخی ایرادها مبنی بر اینکه کنوانسیونهای ژنو تنها در مورد درگیریهای مسلحانه بین‌المللی کاربرد دارد و معطوف به درگیریهای مسلحانه داخلی نیست، می‌توان گفت که با توجه به عرف بین‌الملل، این کنوانسیونها امروزه جنگهای داخلی را نیز پوشش می‌دهد. تخریب آثار و اموال فرهنگی متعلق به یک قوم در یک کشور از سوی دولت نمی‌تواند موضوعی مشمول صلاحیت دولت یادشده باشد و مسئولیت دولت یا شورشیانی که جانشین شده‌اند یکسره آشکار است.<sup>۴۹</sup> در دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی<sup>۵۰</sup> پیشین، وضع به‌گونه‌ای دیگر بود و می‌توان گفت که مسئولیت کیفری عاملان، به روشنی شناخته شده است. بند «د» از ماده سه رأی دادگاه کیفری بین‌المللی در مورد یوگسلاوی مقرر می‌کند که تخریب، غارت و وارد آوردن خسارت عمدی به مؤسسات دینی و آموزشی، بناهای یادبود و آثار هنری و علمی، جنایت جنگی شمرده می‌شود. همچنین، دادگاه در بند «ح» از ماده پنج رأی خود کارهای یادشده را جنایت نسبت به بشریت شمرده و عامل آنرا مسئول دانسته است.

یک اصل در دیوان بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی پیشین و رواندا مشترک است و آن اینکه هر دو مسئولیت کیفری افراد حقیقی را به رسمیت شناخته‌اند و این امر در موارد «نقض فاحش» برپایه آنچه کنوانسیونهای چهارگانه ژنو اعلام کرده (بویژه در زمینه این نوشته یعنی اموال و میراث فرهنگی) و نیز حقوق بین‌الملل عرفی، قابل احراز است.

چندوچون مسئولیت عاملان آن چه در سطح دولت و چه در سطح فرد هنوز مطرح نبود.

نخستین بار، مسئولیت فرد در قبال تخریب و غارت اموال فرهنگی به‌گونه عملی در جریان دادگاههای «نورنبرگ و توکیو»<sup>۴۴</sup> شناسایی شد. همزمان با طرح «مسئولیت کیفری افراد» در دادگاههای نورنبرگ و توکیو، موضوع تخریب و غارت اموال فرهنگی بعنوان یکی از مصادیق جنایت جنگی مطرح شد و آرایه نیز در این زمینه صادر شد که می‌توان آنرا نقطه عطفی در شکل‌گیری مسئولیت کیفری افراد دانست.<sup>۴۵</sup> در این راستا می‌توان از مسئولیت روزنبرگ (Rosenberg) در زمینه غارت موزه‌ها و کتابخانه‌ها و ضبط آثار هنری و کلکسیونها و ژنرال یودل (Jodl) به‌علت امضا کردن سندی مبنی بر نپذیرفتن پیشنهاد تسلیم مسکو و لنینگراد، در صورت طرح شدن، یاد کرد.<sup>۴۶</sup>

در جریان دادگاه نورنبرگ، شماری از وکلای مدافع متهمان و نیز برخی حقوقدانان بر آن بودند که در حقوق بین‌الملل مسئولیتی برای افراد متصور نیست و از همین‌رو خواهان رفع اتهام از متهمان بودند. چنین تفسیری از قواعد عام حقوق بین‌الملل در آن زمان به این نکته برمی‌گشت که حقوقدانان تنها دولتها و سازمانهای بین‌المللی را موضوع حقوق بین‌الملل می‌دانستند و از سوی دیگر رویه و پیشینه‌ای مبنی بر اینکه افراد دارای مسئولیت هستند، در حقوق بین‌الملل به‌گونه مؤثر به‌وجود نیامده بود.

با گذشت کمابیش چهار سال از آغاز کار دادگاه نورنبرگ، کنوانسیونهای چهارگانه ژنو نیز در این زمینه راهکارهایی در نظر گرفت و مقرراتی با عنوان «نقض فاحش» به شرح زیر تدوین کرد:

کشتن، شکنجه کردن یا رفتارهای غیرانسانی شامل آزمایشهای بیولوژیک، تحمیل عمدی رنج عظیم یا زدن صدمه شدید به جسم یا سلامت، واداشتن فرد تحت حمایت به خدمت در نیروهای متخاصم، تبعید یا کوچ غیرقانونی یا حبس غیرقانونی فرد مورد حمایت، محروم

● دست‌اندازی به میراث فرهنگی هر ملت، دست‌اندازی به داراییهای فرهنگی جامعه بشری است. از این‌رو کشورها تخریب و انهدام بناهای دینی و مذهبی، تاریخی و هنری، اماکن باستانی و نیز میراث مکتوب را بر نتافته و به کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه پیوسته‌اند.

● رفتار بیشتر دولتها در پاسداری از میراث فرهنگی، چه آنها که به گونه قراردادی متعهد به پشتیبانی از میراث فرهنگی شده‌اند و چه آنها که بی تعهدات قراردادی، اصول پشتیبانی از میراث فرهنگی را رعایت کرده‌اند و می‌کنند، نشان‌دهنده پاگرفتن یک نظام منسجم بین‌المللی در راستای پشتیبانی از میراث فرهنگی است. شیوه در پیش گرفته شده باعث شده است که در عرف بین‌الملل نسبت به میراث فرهنگی حساسیت بیشتری نشان داده شود، تا آنجا که امروزه از مسئولیت بین‌المللی دولتها در پشتیبانی از آن سخن به میان آید.

غیرقانونی اموال فرهنگی و آسیب‌رسانی به میراث منقول و غیرمنقول بشری انگشت گذاشته و مسببان و عاملان آنها را دارای مسئولیت کیفری بین‌المللی دانسته‌اند. همچنین، یونسکو در راستای پاسداری از میراث فرهنگی به هنگام درگیریهای مسلحانه، از راه توسعه تدریجی اصل مسئولیت بین‌المللی کیفری فردی در برابر تخریب و آسیب‌رسانی به اموال فرهنگی، پروتکل دوم الحاقی ۱۹۹۹ به کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه را که در ۲۰۰۴ لازم‌الاجرا شده بود، تصویب کرده است. این پروتکل در بخش چهارم خود مقرر داشته است که دولتهای متعاقد باید در حقوق داخلی خود مقررات کیفری مناسب برای مجازات زیان‌زندگان و آسیب‌رسانان به میراث فرهنگی وضع کنند یا در صورت وجود این مقررات، آنها را محفوظ بدارند. همچنین، پروتکل دوم در مورد اموال برخوردار از حمایت ویژه، با شروطی صلاحیت جهانی را الزامی کرده است.

با توجه به فرایند یادشده، می‌توان به این نکته منطقی نیز رسید که محاکمه افراد گوناگون در دادگاههای بین‌المللی (نورنبرگ، توکیو و یوگسلاوی پیشین) و همچنین قواعد الزام‌آور بین‌المللی در این زمینه، نشان‌دهنده سربرآوردن و گسترش عرف بین‌الملل مؤثر در پاسداری از میراث فرهنگی بشری است.

اما آنچه ضرور و لازم به نظر می‌رسد، زمینه‌سازی برای کنوانسیون مستقل درباره مسئولیت کیفری بین‌المللی افراد در قبال تخریب، غارت، انتقال و خرید و فروش غیرقانونی میراث فرهنگی است؛ کنوانسیون که باید در کنار دیوان کیفری بین‌المللی، توان دیوان را در مبارزه با چنین بزهکاریهایی افزایش دهد.

دیوان کیفری بین‌المللی از تأسیسات حقوقی مدرن و کارا در حقوق بین‌الملل است که برای نخستین بار در پهنه جهانی و به‌گونه عام توانسته مسئولیت بین‌المللی کیفری را مطرح کند. آرای دیوان از ضمانت اجرای مؤثر و نیز پشتیبانی سازمان ملل و دیگر نهادهای بین‌المللی و منطقه‌ای برخوردار است.<sup>۵۱</sup>

مسئولیت کیفری افراد در ماده ۲۵ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی بیان شده است. دیوان کیفری بین‌المللی تنها صلاحیت رسیدگی به جرایم اشخاص حقیقی را دارد.... برپایه اساسنامه، هر کس شخصاً مسئول و مستوجب مجازات است چنانچه با قصد و علم، جرمی مرتکب شود، دستور ارتکاب آن جرم را بدهد یا به عمد ارتکاب چنین جرمی را تشویق یا معاونت کند یا به ارتکاب آن کمک کند... یا از طریق گروهی از افراد با هدف مشترک به هر شکل دیگر در ارتکاب یا تلاش برای ارتکاب مشارکت کند.... ماده یادشده که ناظر به مسئولیت کیفری فرد است، نافی مسئولیت بین‌المللی دولتها برپایه حقوق بین‌الملل نخواهد بود.<sup>۵۲</sup>

از آنچه گفته شد، این نکته برمی‌آید که دولتها در صورت زیان‌رسانی، از دید حقوقی مسئول جبران خسارتند و کیفر دیدن افراد مسئول در آن دولت، به معنای از میان رفتن مسئولیت دولت نیست.

درباره آنچه مایه مسئولیت کیفری بین‌المللی افراد در پیوند با میراث فرهنگی می‌شود، باید گفت که در اساسنامه دیوان، بزه‌ها در پیوند با اموال و اشخاص حمایت شده در کنوانسیونهای چهارگانه ژنو، مصداق «نقض فاحش» دانسته شده است. در کنوانسیونهای چهارگانه ژنو میراث فرهنگی و اموال مرتبط با آن به روشنی و به‌گونه مشخص توضیح داده نشده است، ولی از آنجا که تخریب گسترده و غیرمجاز اموال «نقض فاحش» شناخته شده و حقوق بین‌الملل عرفی نیز این نکته را پذیرفته است، می‌توان نتیجه گرفت که تخریب و غارت اموال فرهنگی، برپایه کنوانسیونهای چهارگانه ژنو و نیز اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، موجب مسئولیت کیفری بین‌المللی برای عاملان و مسببان آن است.<sup>۵۳</sup>

چنین به نظر می‌رسد که رویه بین‌المللی موجود و نیز مفاد کنوانسیونهای بین‌المللی در پیوند با میراث فرهنگی مانند کنوانسیون پاسداری از میراث فرهنگی (۱۹۵۴)، کنوانسیون منع صدور، وارد کردن و انتقال غیرقانونی مالکیت اموال فرهنگی (۱۹۷۰)، کنوانسیون پاسداری از میراث فرهنگی و طبیعی جهان (۱۹۷۲) که قدرت اجرایی دارند، همگی بر ممنوع بودن تخریب، غارت و انتقال

نداشته است.

در رویه بین‌المللی، آلمان نازی به علت تخریب و غارت اموال فرهنگی مسئول شناخته شد و در یوگسلاوی پیشین نیز یکی از مسئولیت‌های طرف‌های درگیر در جنگ در بالکان، غارت و آسیب زدن به اموال فرهنگی دانسته شده است. در مخاصمه میان اریتره و اتیوپی، کمیسیون تشکیل شده برای رسیدگی به نقض حقوق بین‌الملل بشردوستانه عرفی موضوع تخریب استل‌های ماتارا را عنوان کرده و مسبب آنرا مسئول شناخته است.

بحث مسئولیت بین‌المللی دولتها در پاسداری از میراث فرهنگی از آن رو اهمیت دارد که چه در زمان جنگ‌های جهانی و بین‌المللی و چه در درگیری‌های داخلی، همچنین در زمان صلح، میراث فرهنگی همواره برای تخریب‌کنندگان و غارتگران اهمیت بسیار داشته است. ذهنیتهای ایدئولوژیک و عقیدتی در برخورد با این آثار مانند آنچه در مسجدالاقصی از سوی یهودیان صهیونیست روی می‌دهد و ارزش مادی بسیار زیاد این آثار، همواره آنها را در معرض خطرهای گوناگون قرار می‌دهد. از سوی دیگر، اقتضائات جنگی مانند آنچه در کنوانسیونهای چهارگانه ژنو عنوان گردیده و ضرورت‌های نظامی، این آثار را همواره با خطر روبه‌رو می‌کند.

امروزه در پهنه بین‌الملل شاهد مداخلات بشردوستانه قهرآمیز از سوی جامعه بین‌الملل در حوزه‌های تحت صلاحیت دولتهایی هستیم که در سایه گرایشهای ضد بشری و ناقض حقوق بشر مورد حمله نظامی قرار می‌گیرند. درباره این دست مداخلات و اصول حاکم بر آنها که پس از جنگ سرد افزایشی چشمگیر داشته، باید گفت که همواره مسئولیت دولت ناقض حقوق بشر مورد توجه قرار گرفته و از مسئولیت دولتهای مداخله کننده و بویژه مسئولیت آنها در برابر اموال خصوصی و همچنین اموال فرهنگی سخنی به میان نیامده است. گرچه دولت آمریکا و دیگر دولتهای همپیمان آن در جنگ عراق به ظاهر کوشیده‌اند با فهرست کردن آثار فرهنگی عراق، وظیفه خود را در پاسداری فیزیکی از این اموال در دوران جنگ و نیز بازگرداندن اموالی که در دوران اشغال عراق به گونه غیرقانونی از آن کشور خارج شده است انجام دهند، با این همه، چه بسیار آثار با ارزش تاریخی و فرهنگی از عراق به بیرون فرستاده شده است و گزارشهای موزه ملی عراق و سازمانهای داخلی و بین‌المللی، این نکته را تأیید می‌کنند. مراد نگارنده از این پاراگراف، متهم کردن دولت آمریکا و دولتهای همپیمانانش نیست، بلکه هدف جلب توجه جامعه

● کنوانسیون ۱۹۹۵ یونیدورا (کنوانسیون وحدت قوانین در زمینه بازگردانده شدن بین‌المللی اموالی فرهنگی که دزدیده شده یا غیرقانونی خارج شده) دربرگیرنده اصول بسیار پیشرفته‌ای برای همکاری و هماهنگی نظامهای حقوقی از راه تثبیت قواعد یکنواخت در زمینه تحصیل عنوان مالکیت اموال فرهنگی است. این کنوانسیون نخست مقرر می‌دارد که: متصرف مال فرهنگی دزدیده شده باید آنرا پس دهد.

### مسئولیت بین‌المللی دولتها در پاسداری از میراث فرهنگی

پروفسور شوارتزبرگر درباره اهمیت مسئولیت بین‌المللی دولتها، نوشته است:

«... اگر برای جبران پیامدهای ناشی از نقض تعهدات بین‌المللی قواعدی روشن وجود نداشت حقوق بین‌الملل به انبوهی از قواعد نارسا و بیهوده تبدیل می‌شد و هر دولتی می‌توانست به‌طور دلخواهانه نحوه‌ی ضمانت اجرای نقض و پایمال شدن این قواعد پراکنده را تعیین کند... به این دلیل است که باید مکانیسم مسئولیت بین‌المللی و قواعد آن را در رابطه‌ی بین دولتها، بخش تکمیلی و بنیانی حقوق بین‌الملل تلقی کرد... اگر این رشته‌ی قواعد حقوقی که منشاء عرفی و قراردادی دارند در طول زمان و به تدریج با کار دادگاه‌های بین‌المللی پختگی و اصالت خود را باز نمی‌یافت... اگر حق معارضه به مثل یا معامله‌ی متقابل به‌طور دلخواهانه، با رویه‌های قضائی محدود و مهار نمی‌گردید هرگز روش‌های مسالمت‌آمیز حل و فصل اختلافات در روابط بین‌المللی به وجود نمی‌آمد...»<sup>۵۴</sup>

با این همه، تضادهای موجود در زمینه حقوق داخلی دولتها، از پاگرفتن یک نظام حقوقی بین‌المللی برای مبارزه با کارهایی که میراث بشری را به خطر می‌اندازد، جلوگیری می‌کند. مسئولیت دولتها درباره آنچه «نقض تعهد» نامیده می‌شود، احراز می‌گردد؛ اما باید چگونگی احراز، دامنه حقوق و تکالیف دولتها و کیفیت رفتار آنها از سوی مجامع بین‌المللی بیشتر بررسی شود. تعهدات بین‌المللی هر دولت برپایه حقوق قراردادی و نیز عرف بین‌الملل شکل می‌گیرد. در زمینه پاسداری از میراث فرهنگی، این مسئولیت گرچه دوران پیشرفت خود را می‌گذراند، ولی نمی‌توان گفت که اثرگذاری چندانی

غارت اموال فرهنگی «نقض فاحش» خوانده شده و چنان که دیدیم، صلاحیت جهانی دولتها در مبارزه با عوامل و مسببان این رویدادها احراز شده است. در این راستا، تدوین کنوانسیون برای شفاف‌سازی رفتارهای ناقض اصول پاسداری از میراث فرهنگی و جرم‌انگاری این رفتارها، بایسته به نظر می‌رسد.

### یادداشتها

۱. فرانچسکو فرانکیونی، «در فراسوی حقوق معاهدات پدیداری حقوق عرفی جدیدی در حمایت از میراث فرهنگی»، مترجمان: علیرضا ابراهیم گل و فرزانه آقاشاهی، مجله حقوقی بین‌المللی، شماره چهارم، بهار و تابستان ۱۳۸۸، ص ۱۲۸.

۲. تا میانه سده ۱۹ تنها اقدام بین‌المللی مؤثر کنوانسیون اول ژنو بوده است. برای مطالعه کنوانسیون اول ژنو ر.ک به: <http://www.icrc.org>

۳. فرانچسکو فرانکیونی، همان.

۴. اگر در زمان مخاصمات مسلحانه در مورد موضوعی، حقوق معاهده‌ای الزام‌آوری موجود نباشد، در این صورت افراد مشمول حمایت اصول حقوق بین‌الملل خواهند بود که از عرف و یا از ندای وجدان عمومی برمی‌خیزد که این همان قاعده است که در حقوق بین‌المللی بشردوستانه به «شرط مارتنز» شهرت دارد.

۵. جنگهای مذهبی و یا با نام دیگر جنگهای سی ساله (۱۶۴۸-۱۶۱۸) میان کلیسا و پروتستانها، به این صورت که دولتهای موجود در آن زمان شماری هوادار پروتستانها گردیده و سپس میان دو گروه از دولتهای جنگهای سختی درگرفت.

۶. جنگهای ناپلئونی (۱۸۱۵-۱۸۰۳).

۷. کنفرانسهای صلح لاهه مقررات ناظر بر حقوق و عرف جنگ زمینی ۱۸ اکتبر ۱۹۰۷.

۸. ماده ۴۶: حقوق و احترام خانواده، زندگی افراد و املاک خصوصی و همچنین اجرای مراسم مذهبی باید محترم شمرده شود. املاک خصوصی نباید مصادره شوند.

ماده ۱۷: غارت و چپاول رسماً ممنوع است.

۹. ملک شهرداریها، املاکی که مؤسسات وقف مراسم مذهبی، خیریه و آموزش و پرورش، هنر و علوم کرده‌اند حتاً اگر ملک دولتی باشد باید بعنوان ملک خصوصی در نظر گرفته شوند. مصادره، تخریب یا هرگونه آسیب عمدی نسبت به

بین‌الملل به این موضوع است که در موارد مداخله بشردوستانه قهرآمیز، مسئولیت دولتهای مداخله‌کننده همانگونه که در زمینه حقوق بشر شفاف شده است باید در زمینه میراث فرهنگی کشوری هم که در آن مداخله شده است روشن گردد.

از آنچه گفته شد، نکته‌های زیر برمی‌آید:

۱. گرچه کنوانسیونهای الزام‌آور در این زمینه از شمار انگشتان یک دست بیشتر نیست و حتاً این کنوانسیونها بیشتر مربوط به درگیریهای مسلحانه است و گاه به گونه مؤثر درگیریهای مسلحانه داخلی را پوشش نمی‌دهد، با این همه می‌توان گفت که وجود این کنوانسیونها نشانه‌ای از تعهدات بین‌المللی دولتها است که مسئولیت بین‌المللی اولیه (در برابر انجام دادن تعهد) و ثانویه (ناشی از نقض تعهد)، آنها را محرز گردانیده است.

۲. وجود بسیاری از کنوانسیونهایی که به علت‌های گوناگون به مرحله اجرا نرسیده ولی رویه موجود نشان‌دهنده اعتبار آنهاست، خود از پیدایش عرفی مؤثر در این زمینه خبر می‌دهد که دولتها ناگزیر باید از آنها پیروی کنند.

۳. پاسداری بین‌المللی از میراث فرهنگی و اینکه میراث فرهنگی هر قوم و ملت مورد علاقه و احترام همه ملتهاست، باعث شده که دیگر کمتر دولتی به خود اجازه دهد که دست به تخریب و دگرگون‌سازی میراث فرهنگی اقوام داخل در حوزه صلاحیت ملی خود بزند.

۴. مسئولیت بین‌المللی دولتها در زمینه پاسداری از میراث فرهنگی، عام و مطلق است. هر دولت جدا از اینکه مسئول نگهداشت و پاسداری از میراث فرهنگی چه در حوزه صلاحیت داخلی و چه مناطق بیرون از صلاحیت ملی خود است، مسئولیت همکاری با دیگر دولتها در مبارزه با انواع پدیده‌های ناقض اصل پاسداری از میراث فرهنگی را دارد.

۵. اصول حاکم بر مداخلات بشردوستانه قهرآمیز، همواره ناظر به مسئولیت دولت ناقض حقوق بشر است و مسئولیت مداخله‌کنندگان در برابر شهروندان و اموال آنان بویژه اموال تاریخی و فرهنگی را پوشش نمی‌دهد. لازم است در طرح مسئولیت حمایت، موادی در این زمینه گنجانده شود و برای تذکر اهمیت این موضوع، مجمع عمومی سازمان ملل اعلامیه‌ای صادر کند.

۶. در بیشتر کنوانسیونها و نیز رویه دادگاههای بین‌المللی، بر مسئولیت کیفری افراد در صورت نقض اصول حاکم بر پاسداری از میراث فرهنگی انگشت گذاشته شده است. حتاً در پاره‌ای از آنها تخریب و

● **مسئولیت کیفری فرد، نافی مسئولیت بین‌المللی دولتها بر پایه حقوق بین‌الملل نخواهد بود. دولتها در صورت زیان‌رسانی، از دید حقوقی مسئول جبران خسارتند و کیفر دیدن افراد مسئول در آن دولت، به معنای از میان رفتن مسئولیت دولت نیست.**

from Afghanistan: Developments in International Management, in Art and Archaeology of Afghanistan: Its Fall and Survival (van Krieken-peters ed.), Leiden-Boston, 2006, p. 189

۱۷. فرانچسکو فراتینی، همان، ص ۱۳۵.

برای مطالعه بیشتر، ک به:

Voir Les bombardements serbes sur la vieille ville de Dubrovnik, la protection international des biens culturels, C. Bories, 2005, Pedone

۱۸. فرانچسکو فراتینی، همان، ص ۱۳۵.

۱۹. نافزیگر، جیمز، پیشین.

۲۰. نافزیگر، جیمز، همان.

۲۱. پاتریشیا اسلیمن، نسل‌کشی فرهنگی، آرشیو کتابخانه مرکزی دانشگاه لندن.

<http://pubs.ulcc.ac.uk/142/1/14-chapter-14-sleemen-patricia.doc>

۲۲. مهمترین سازمانهای بین‌المللی مؤثر در حفاظت از میراث فرهنگی:

- مرکز بین‌المللی مطالعه، نگهداری و مرمت اموال فرهنگی (ایکروم)

- شورای بین‌المللی محوطه‌ها و بناهای تاریخی (ایکوموس)  
- کمیته بین‌المللی موزه‌ها (ایکوم) - پلیس بین‌المللی (اینتربیل)

۲۳. فرانچسکو فراتینی، همان، ص ۱۳۹.

24. Unidroit Convention. Convention on Stolen or Illegally Exported Cultural Objects, 24 June 1995  
<http://www.unidroit.org/english/conventions/c-cult.htm>

۲۵. بند ۱ ماده ۳ کنوانسیون یونیدورا.

The possessor of a cultural object which has been stolen shall return it

۲۶. فرانچسکو فراتینی، همان، ص ۱۴۱.

27. Convention Concerning the Protection of the World Cultural and Natural Heritage- 1972.  
<http://www.unesco.org/whc/world-he.htm>

همچنین:

Operational Guidelines for the Implementation of the World Heritage Convention WHC.

<http://www.whc.unesco.org/archive/opguide08-en.pdf>

28. International Union for Conservation of Nature

29. International Council on Monument and Sites

30. International Center for the Study of the Preservation and Restoration of Cultural Property

۳۱. فرانچسکو فراتینی، همان، ص ۱۴۳.

32. Convention on the Protection of the Underwater Cultural Heritage Unesco Paris, 2 ovember 2001

[http://unesdoc.unesco.org/images/0012/001260/126065\\_e.pdf](http://unesdoc.unesco.org/images/0012/001260/126065_e.pdf)

33. <http://www.irunesco.org/index.php?option=com-content&view=article&id=845:1390-03-07-06-03-65&catid=20:2009-03-7-08-29-407> itemid = 29

این مؤسسات، بناهای تاریخی، کارهای هنری و علمی ممنوع است و باید تحت پیگرد قانونی قرار گیرد.

۱۰. نافزیگر، جیمز، حفاظت از میراث فرهنگی در زمان جنگ و پیامدهای آن. سایت دانشگاه ویلامت:

<http://www.ogiek.org/indepth/protect-cult-herit.htm>

\* جیمز نافزیگر استاد کرسی حقوق و دبیر برنامه‌های بین‌المللی دانشکده حقوق دانشگاه ویلامت و رئیس کمیته حقوقی میراث فرهنگی انجمن حقوق بین‌الملل (ILA) و شعبه آمریکایی (ILA).

۱۱. این معاهده در ۱۴ می سال ۱۹۵۴ از سوی یونسکو پس از جنگ جهانی دوم به منظور حفظ اموال فرهنگی، بویژه در شرایط برخورد مسلحانه در کنفرانس لاهه به تصویب رسید. پروتکل اول این کنوانسیون در همان تاریخ منضم به اصل کنوانسیون و مقررات اجرایی آن گردیده بود و پروتکل دوم در ۲۵ مارس ۱۹۹۹ تنظیم و به تصویب گذاشته شد.

<http://portal.unesco.org/culture/en/ev.php-url-id=35744&url-do=do-topic&url-section=201.html>

۱۲. برای پژوهش بیشتر، ک به:

Franklin, W.M, "Municipal Property Under Belligerent Occupation", AJIL, 1944, Vol. 38, p. 395

۱۳. نوربها، رضا، «بررسی قرارداد حمایت از اموال فرهنگی به هنگام نزاع مسلحانه و اعمال آن در جنگ عراق علیه ایران»، مجله حقوقی، شماره شانزدهم و هفدهم، تهران، ۱۳۷۵، صص ۲۲۰-۲۰۴.

۱۴. دکتر محمد رضا ضیایی بیگدلی، حقوق جنگ، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۷۳، ص ۲۱۷.

۱۵. برای مطالعه بیشتر، ک به:

دبیرخانه کمیته ملی حقوق بشردوستانه، حقوق بین‌الملل ناظر بر نحوه هدایت مخصصات مسلحانه، مهرداد رضائیان، نشر سرسم، تهران، ۱۳۸۳.

۱۶. فرانچسکو فراتینی، پیشین، ص ۱۳۵.

برای مطالعه بیشتر، ک به:

L.V. Prott, The Protection of Cultural Movables

● محاکمه افراد گوناگون در دادگاههای بین‌المللی (نورنبرگ، توکیو و یوگسلاوی پیشین) و همچنین قواعد الزام‌آور بین‌المللی در این زمینه، نشان‌دهنده سربرآوردن و گسترش عرف بین‌الملل مؤثر در پاسداری از میراث فرهنگی بشری است. اما آنچه ضرور و لازم به نظر می‌رسد، زمینه‌سازی برای کنوانسیون مستقل درباره مسئولیت کیفری بین‌المللی افراد در قبال تخریب، غارت، انتقال و خرید و فروش غیرقانونی میراث فرهنگی است؛ کنوانسیون که باید در کنار دیوان کیفری بین‌المللی، توان دیوان را در مبارزه با چنین بزه‌کاریهایی افزایش دهد.

• مسئولیت بین‌المللی دولتها در زمینه پاسداری از میراث فرهنگی، عام و مطلق است. هر دولت جدا از اینکه مسئول نگهداشت و پاسداری از میراث فرهنگی چه در حوزه صلاحیت داخلی و چه مناطق بیرون از صلاحیت ملی خود است، مسئولیت همکاری با دیگر دولتها در مبارزه با انواع پدیده‌های ناقض اصل پاسداری از میراث فرهنگی را دارد.

باقر میرعباسی و حمید الهوتی نظری، انتشارات جنگل، تهران، ۱۳۸۴، ص ۵۷.

۴۸. پوربافرانی، حسن، حقوق جزای بین‌الملل، انتشارات جنگل، تهران، ۱۳۸۸، ص ۱۶۹.

۴۹. برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر، ک، به:

ممتاز، جمشید، رنجبریان، امیرحسین، حقوق بین‌الملل بشردوستانه (مخاصمات مسلحانه داخلی)، نشر میزان، چاپ دوم، ۱۳۸۶، صص ۲۰۵-۱۱۸.

50. [http:// www.icty.org](http://www.icty.org)

۵۱. دیوان بین‌المللی کیفری (به انگلیسی: International Criminal Court به اختصار ICC) نخستین دادگاه دائمی بین‌المللی برای رسیدگی به جرایم نسل‌کشی، جنایت بر ضد بشریت، جنایت جنگی و جنایت تجاوز است با پیشنهاد ترینداد و توباکو در تعقیب قاچاقچیان مخدر مطرح شد که مقر آن در لاهه، هلند قرار دارد. اساسنامه این دادگاه در ۱۵ ژوئن ۱۹۹۸ در رم به تأیید نمایندگان ۱۲۰ دولت رسید و در ۱ ژوئیه ۲۰۰۲ با تصویب آن از سوی ۶۰ کشور موجودیت پیدا کرد. این دادگاه به جرایمی رسیدگی می‌کند که پس از این تاریخ از سوی اتباع یا در قلمرو یکی از کشورهای عضو انجام شده باشد و یا اینکه با تصویب شورای امنیت ملل متحد به این دیوان احاله شده باشد. تا ژوئن ۲۰۱۱ شمار کشورهای عضو این نهاد به ۱۱۱ کشور رسیده است، ۳۷ کشور دیگر هم اساسنامه رم را امضا کرده‌اند اما هنوز به تصویب مجالس قانون‌گذاری خود نرسانده‌اند. کشورهای مهمی چون آمریکا، روسیه و چین (۳ عضو دائم شورای امنیت) و هند (دومین کشور پر جمعیت جهان) از منتقدان این دادگاه بوده و به آن نپیوسته‌اند.

۵۲. کیتیچایساری، گریانگساک، حقوق کیفری بین‌المللی، حسین آقای جنت مکان، انتشارات دانشور تهران، ۱۳۸۲، ص ۵۵.

۵۳. برای مطالعه بیشتر در این زمینه به ماده ۸ اساسنامه دیوان مراجعه گردد.

۵۴. رضا فیوضی، مسئولیت بین‌المللی و نظریه حمایت سیاسی اتباع، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۹، ص ۲۸.

۳۴. کاتوزیان، ناصر، مقدمه علم حقوق و مطالعه در حقوق خصوصی ایران، چاپ پنجم، انتشارات اقبال ۱۳۶۲، ص ۱۷۹.

۳۵. عرفانی، محمود، حقوق تجارت، جلد اول، چاپ سوم، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۶، ص ۱۳۶.

36. Recommendation on the Safeguarding of Traditional Culture and Folklore 15 November 1989

[http:// portal.unesco.org/en/ ev. php-URL- ID= 13141 & URL- DO= DO- TOPIC & URL- SECTION= 201. html](http://portal.unesco.org/en/ev.php-URL- ID= 13141 & URL- DO= DO- TOPIC & URL- SECTION= 201. html)

۳۷. فرانچسکو فراتینی، همان، ص ۱۴۱.

۳۸. بیشمی، بهار، میراث معنوی، رجوع شود به سایت زیر: <http:// iranelitetourism. blogfa. com/ post-9. asp>

39. Convention for the Safeguarding of the Intangible Cultural Heritage Paris, 17 October 2003

[http:// portal.unesco.org/en/ ev. php- URL- ID= 17716 & URL - DO= DO- TOPIC& URL- SECTION= 201. html](http://portal.unesco.org/en/ev.php-URL- ID= 17716 & URL - DO= DO- TOPIC& URL- SECTION= 201. html)

این کنوانسیون که از سوی کنفرانس عمومی در ۱۷ اکتبر ۲۰۰۳ یونسکو پذیرفته شده در تاریخ ۲۰ ژانویه ۲۰۰۶ لازم‌الاجرا گردیده است.

۴۰. فرانچسکو فراتینی، همان، ص ۱۴۶.

41. Convention on the Protection and Promotion of the Diversity of Cultural Expressions Paris, 20 October 2005

[http:// portal.unesco.org/en/ ev. php- URL- ID= 3103& URL- DO= DO- TOPIC & URL- SECTION= 201. html](http://portal.unesco.org/en/ev.php-URL- ID= 3103& URL- DO= DO- TOPIC & URL- SECTION= 201. html)

۴۲. موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت که در ۱۹۴۷ پس از ۸ دور مذاکرات بین‌المللی به تصویب رسید. در ۱۹۹۵ به سازمان جهانی بازرگانی تغییر یافت.

۴۳. همه افراد متعلق به دولتهای درگیر در جنگ، حتا سران دولتها، در صورت ارتکاب جرایمی بر ضد قوانین و عرف جنگ یا قوانین بشریت، مسئول بوده و مورد پیگرد واقع خواهند شد. داشتن پست و مقام در کشور در اعمال مجازات اثری نخواهد داشت.

44. Agreement for the Prosecution and Punishment of the Major War Criminals of the European Axis, and Charter of the International Military Tribunal. London, 8 August 1945.

<http://www.icrc.org/ihl.nsf/FULL/350?OpenDocument>

۴۵. رجوع شود به ماده ۶ از اساسنامه دادگاه نورنبرگ و ماده ۵ دادگاه توکیو.

۴۶. گفتنی است که مسئولیت کیفری در دادگاهی در لایپزیک بر پایه مواد ۲۰۰ تا ۲۲۸ ورسای شماری از سربازان آلمانی را به سبب آنچه که نقض قوانین و عرف جنگی می‌خواند محکوم کرد و بدین واسطه مسئولیت کیفری این افراد را مورد پذیرش قرار داد.

۴۷. ویلیام ا. شبت، مقدمه‌ای بر دیوان کیفری بین‌المللی، سید